

۱- ارزشی است که مانع استضعاف و بهره‌کشی ظالمانه برخی از برخی دیگر می‌شود.

(۱) حریت و آزادی (۲) مسئولیت و تعهد (۳) حقیقت (۴) عدالت و قسط

۲- کدامیک از گزینه‌های زیر راه یافتن عقاید و ارزش‌های اسلامی را به عرصه فرهنگ بشری نشان می‌دهد؟

(۱) استفاده از پوشش و مفاهیم ارزش‌های دینی (۲) سازمان‌دهی در چارچوب مناسبات قبیله‌ای و عشیره‌ای
(۳) ظهور فرهنگی و تاریخی با پذیرش و رویکرد انسان‌ها (۴) مقاومت آشکار عقاید و ارزش‌های جاهلی در برابر آن

۳- سکولاریسم آشکار عبارتست از

(۱) روشنگری با رویکرد دنیوی و این جهانی‌نگامی که با شناخت عقلی همراه باشد و مرجعیت وحی را نمی‌پذیرد.

(۲) فلسفه‌ها و عقایدی که به صراحت، ابعاد متافیزیکی و فوق‌طبیعی را انکار می‌کنند و مکاتب ماتریالیستی و ماده‌گرایانه را تشکیل می‌دهند.

(۳) جهان‌بینی‌ها و فلسفه‌هایی که به نفی ابعاد معنوی هستی نمی‌پردازند بلکه بخش‌هایی از عقاید معنوی را برای نظام دنیوی به خدمت می‌گیرند.

(۴) فلسفه‌ها و عقایدی که به طور صریح ابعاد متافیزیکی و فوق‌طبیعی را انکار می‌کنند و به شناخت حسی و تجربی محدود شده و به دین بدون شریعت ختم می‌شود.

۴- ظهور پادشاهان و قدرت‌های محلی پیامد بود. که در دوران و با عنوان شناخته می‌شوند.

(۱) جنگ‌های صلیبی - قرون وسطی - پروتستانتیسم (۲) مواجهه با مسلمانان - رنسانس - رقیبان دنیا طلب کلیسا

(۳) فتح قسطنطنیه - قرون وسطی - پروتستانتیسم (۴) فروریختن اقتدار کلیسا - رنسانس - رقیبان دنیا طلب کلیسا

۵- کدامیک از گزینه‌های زیر عبارت «با وجود رشد کشورهای استعمارزده نیز فاصله و وابستگی کشورهای غربی و غیرغربی هم‌چنان حفظ

می‌شود.» ارتباط دارد؟

(۱) وابستگی اقتصادی کشورهای استعمارزده به قدرت برتر سیاسی و نظامی کشورهای استعمارگر موجب می‌شود تا مبادلات تجاری در سطح جهانی به گونه‌ای غیر متعادل انجام شود.

(۲) تک محصولی شدن اقتصاد کشورهای استعمارزده قدرت چانه‌زنی در اقتصاد جهانی را از آنان می‌گیرد و این پدیده موجب وابستگی اقتصادی آن‌ها به کشورهای استعمارگر می‌شود.

(۳) کشورهای غربی به اقتضای بازار مصرف برخی از صنایع وابسته را به کشورهای استعمارزده منتقل می‌کنند، ولی این انتقال در جهت استقلال یا تعدیل جهانی ثروت عمل نمی‌کند بلکه در جهت منافع بیش‌تر کشورهای استعمارگر است.

(۴) کشورهای استعمارگر بعد از آنکه با مقاومت‌های سیاسی و نهضت‌های آزادی بخش کشورهای استعمارزده مواجه می‌شوند استقلال سیاسی و اقتصادی کشورهای استعمارزده را به رسمیت می‌شناسند.

۶- کدامیک از گزینه‌های زیر در ارتباط با جریان چپ، صحیح است ولی در رابطه با جریان راست، صحیح نیست؟

(۱) شامل روسیه و کشورهای اروپای شرقی و چین بودند - شامل آمریکا و اروپای غربی بودند که طرفداران نظریه‌های لیبرالیستی را تشکیل می‌دادند.

(۲) با انتقاد از لیبرالیسم قرن هجدهم، آزادی خصوصاً آزادی فردی را شعار خود قرار دادند - از نظراقتصادی، سیاسی و جغرافیایی از جریان چپ کاملاً متمایز بودند، ولی طی قرن بیستم، بلوک غرب را تشکیل دادند.

(۳) مخالفان نظام سرمایه‌داری بودند که احزاب و اتحادیه‌های کمونیستی را تشکیل دادند - بعد از انقلاب فرانسه در طرف چپ مجلس فرانسه قرار می‌گرفتند.

(۴) آمریکا به عنوان ابر قدرت در کانون بلوک شرق قرار داشت - شوروی به عنوان ابر قدرت در کانون بلوک غرب قرار داشت و از نظر سیاسی و اقتصادی و جغرافیایی در بخش متمایزی قرار می‌گرفت.

۷- طی قرن بیستم، به ترتیب سکولاریسم و دنیوی‌گرایی در کدام حوزه‌ها مطرح شدند و کدام محدوده هم‌چنان دینی باقی ماند؟

(۱) فرهنگ عمومی، علم، هنر، اقتصاد - سیاست (۲) علم، اقتصاد، هنر، فرهنگ عمومی - سیاست

(۳) سیاست، علم، هنر، اقتصاد - فرهنگ دینی (۴) هنر، اقتصاد، سیاست، علم - فرهنگ عمومی

۸- مقاومت منفی هنگامی به سوی فعالیت رقابت‌آمیز تغییر کرد که

(۱) عالمان شیعه تعامل خود را با دولتمردان قاجار براساس واجبات نظامیه قراردادند مانند حفظ امنیت با مقابله در برابر دشمنان خارجی

(۲) دولت مردان قاجار به دلیل اثرپذیری از جنبش‌های مردمی به جای قراردادهای استعماری به سوی مقاومت در برابر بیگانگان قدم برداشتند.

(۳) عالمان شیعه در عرصه زندگی اجتماعی و سیاسی و نه در جهت حمایت و تأیید قدرت حاکم گام برداشتند.

(۴) دولت مردان قاجار به دلیل اثرپذیری از دولت‌های استعماری به جای مقاومت در برابر بیگانگان به سوی قراردادهای استعماری رفتند.

۹- تعدادی از گروه‌های فلسطینی هویت مارکسیستی و تعدادی دیگر اندیشه‌های ناسیونالیستی داشتند، این عبارت نشان می‌دهد که

(۱) گروه‌های مارکسیستی با هویت الحادی خود جایگاهی برای باورها و اعتقادات دینی و معنوی قائل نبودند، برخی از آنان از رویارویی با اعتقادات دینی خودداری کرده و پوشش دینی داشتند و گروه‌های ناسیونالیستی از موضع قوم‌گرایی دینی به اسلام می‌نگریستند و اسلام را از جهت اینکه پدیده‌ای جهانی است می‌پذیرفتند.

(۲) گروه‌های مارکسیستی با هویت الحادی خود جایگاهی برای باورها و اعتقادات دینی و معنوی قائل نبودند و با نوعی رویکرد التقاطی در پیش گرفته بودند و گروه‌های سوسیالیستی از موضع قوم‌گرایی عربی به اسلام می‌نگریستند و اسلام را از جهت اینکه پدیده‌ای عربی است می‌پذیرفتند.

(۳) گروه‌های مارکسیستی با هویت الحادی خود جایگاهی برای باورها و اعتقادات دینی و معنوی قائل نبودند ولی گروه‌های ناسیونالیستی، لیبرالیستی و سوسیالیستی به اسلام به عنوان یک پدیده جهانی می‌نگریستند و حتی پوشش مذهبی به خود می‌گرفتند.

(۴) گروه‌های مارکسیستی با هویت الحادی خود جایگاهی برای باورها و اعتقادات دینی و معنوی قائل نبودند و گروه‌های ناسیونالیستی از موضع قوم‌گرایی عربی به اسلام می‌نگریستند و اسلام را از جهت اینکه پدیده‌ای عربی است می‌پذیرفتند.

۱۰- قومی که در اثر تهاجم نظامی شکست می‌خورد با می‌تواند بار دیگر استقلال سیاسی خود را به دست آورد، به شرط

اگر می‌تواند گروه مهاجم را درون فرهنگ خود، هضم نماید و آن را به خدمت گیرد.

(۱) ضعیف شدن تدریجی قدرت نظامی مهاجم - حفظ هویت فرهنگی - فرهنگی غنی و قوی داشته باشد.

(۲) حفظ هویت فرهنگی - ضعیف شدن تدریجی قدرت نظامی مهاجم - فرهنگی غنی و قوی داشته باشد.

(۳) فرهنگی غنی و قوی - حفظ هویت فرهنگی - تدریجاً قدرت نظامی مهاجم ضعیف شود.

(۴) فرهنگی غنی و قوی - تدریجاً قدرت نظامی مهاجم ضعیف شود - هویت فرهنگی خود را حفظ کند.